

The Impact of Private Banking on the Economic Production in Iran

Farshad Momeni

Professor, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abbas Shakeri

Professor, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Javad Taherpoor

Assistant Professor, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Behnam Ezati Ekhtiar*

Ph.D. Student, Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract





In some economic theories emphasizing the positive relationship between financial and real sector development in economy, privatization of financial markets and institutions and increasing private sector share is the dominant approach to financial development. However, private banks performance in some countries have shown different results compared to the goals had been set. Lack of proper economic and institutional environment has led to adverse results of private banks. Considering mentioned issues, this study aims to assess the impact of private banking on the economic growth rate in Iran based on the seasonal data form 2003 till 2018 using Autoregressive Distributed Lag (ARDL) technique. Results of the study have shown that financial development has a positive impact on the growth rate of economy, while, as the market share of private banks has increased, it had a negative effect on the economic growth. The main cause of this negative relationship is undesirable institutional environment which private banks are working in. Therefore, preparing suitable institutional framework is a condition to gain the private banks' advantages. Central bank constant supervision alongside the enforcement authority prohibiting private banks from managing economic firms and the presence in the alternative markets are the main preconditions.

Keywords: Financial Development, Banks Privatization, Private Banking, Economic Growth.

Classification JEL: O16, G21, F43.

* Corresponding Author: bezati@gmail.com

تأثیر بانکداری خصوصی بر تولید اقتصادی ایران

- فرشاد مومنی  استاد، گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- عباس شاکری  استاد، گروه اقتصاد نظری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- جواد طاهرپور  استادیار، گروه اقتصاد نظری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- بهنام عزتی‌اختیار*  دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

برخی نظریه‌های اقتصادی که بر رابطه مثبت میان توسعه بخش مالی و توسعه بخش حقیقی اقتصاد تأکید دارند، خصوصی‌سازی بازارها و نهادهای مالی و توسعه حضور بخش خصوصی را به عنوان روشی برای دستیابی به توسعه مالی مطرح می‌سازند، اما عملکرد بانک‌های خصوصی در برخی کشورها تفاوت‌های اساسی با اهداف مورد نظر را بروز داده است. فقدان چارچوب‌های مناسب اقتصادی و نهادی سبب شده تا عملکرد بانک‌های خصوصی در این کشورها قابل دفاع نباشد. با توجه به این توضیحات، مطالعه حاضر به بررسی اثر بانکداری خصوصی بر رشد اقتصادی ایران، مبتنی بر داده‌های سری‌زمانی (فصلی) و روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی برای سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۲ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که توسعه مالی نقش تعیین‌کننده و مثبتی در افزایش تولید و رشد اقتصادی دارد، اما هرچه دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی گسترش یافته، تولید به طور منفی تحت تأثیر قرار گرفته است. علت این را باید در فضای نهادی و اقتصادی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، جست‌وجو کرد. بنابراین، بهره‌گیری از ظرفیت بانک‌های خصوصی باید مشروط به فراهم‌سازی چارچوب‌های نهادی مناسب در این حوزه شود. نظارت مستمر و همراه با ضمانت اجرایی بانک مرکزی به ویژه جلوگیری از بنگاه‌داری بانک‌ها و ورود کنترل نشده به بازار دارایی‌ها، مهم‌ترین شروط هستند.

واژگان کلیدی: توسعه مالی، خصوصی‌سازی بانک‌ها، بانکداری خصوصی، رشد اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: F43, G21, O16.

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: bezati@gmail.com

۱- مقدمه

نظریه‌ها و تجربه جهانی حاکی از آن است که میان توسعه بخش مالی و توسعه بخش حقیقی اقتصاد رابطه بسیار نزدیکی وجود دارد و پیشرفت اقتصادی بدون ایجاد بازارها و نهادهای مالی کارآمد و حمایت بخش مالی از بخش تولیدی اقتصاد میسر نخواهد شد. در این مسیر، خصوصی‌سازی بازارها و نهادهای مالی و توسعه حضور بخش خصوصی به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های تجویزی برای توسعه مالی مطرح است؛ زیرا مطرح می‌شود که خصوصی‌سازی و امکان تاسیس بانک‌های خصوصی منتج به بهبود رقابت، اختصاص بهینه جریان پولی و اعتبارات به فعالیت‌های تولیدی (بخش‌های صنعت، کشاورزی، انرژی و ...)، کاهش قیمت تمام شده تجهیز منابع مالی در بخش تولیدی اقتصاد، افزایش کارایی در فعالیت‌های تامین مالی و نوآوری می‌شود.

تحت این ادبیات، خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی در کنار صدور مجوز ایجاد بانک‌های خصوصی در کشورهای مختلف و از جمله ایران به منظور تعمیق بازارهای مالی و در راستای ایجاد استقلال بخش پولی و بخش مالی اقتصاد، بهبود کارایی نظام تامین مالی و تخصیص بهینه پس اندازها در قالب اعتبارات به بخش‌های تولیدی اقتصاد صورت گرفت تا بتواند آثار مثبتی بر شاخص‌های کلان اقتصادی داشته باشد. حال آنکه با بررسی عملکرد بانک‌های خصوصی در ایران ملاحظه می‌شود که نتایج ایجاد شده تفاوت‌های اساسی با اهداف مورد نظر داشته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مواردی چون ایجاد فسادهای گسترده در نظام بانکی، هدایت جریان نقدینگی به سمت فعالیت‌های سوداگرانه و غیرتولیدی، گسترش فعالیت‌های سفته‌بازی، افزایش قدرت بانک‌های خصوصی از طریق ایجاد شرکت‌های تابعه و سوق نقدینگی از طریق آن‌ها در بازارهای مسکن، طلا و ارز، ورود نهادهای دارای قدرت سیاسی و نظامی به عرصه بانکداری در کنار ایجاد نهادهای مالی غیرمجاز تحت عناوین موسسات و تعاونی‌های اعتباری اشاره کرد.

در واقع فقدان چارچوب‌های مناسب اقتصادی و نهادی سبب شده تا عملکرد بسیاری از بانک‌های خصوصی نه تنها به تخصیص بهینه و هدایت منابع به سمت فعالیت‌های تولیدی منجر نشود، بلکه خود سبب انحراف منابع و سوق نقدینگی به سمت فعالیت‌های غیرتولیدی و گسترش فعالیت‌های سوداگرانه در اقتصاد کشور شود که تاثیر بسزایی در ایجاد بی‌ثباتی در بازارهای مالی و کالایی داشته است. ساختارها و نهادهای کشورها باید به گونه‌ای باشد

که بانک‌ها و به طور کلی بخش مالی اقتصاد، حامی و تابع مقتضیات رشد و پویایی بخش حقیقی اقتصاد باشند در غیر این صورت نتایج بسیار متفاوت از آن چیزی خواهد بود که انتظار می‌رفت با توسعه بانک‌های خصوصی حاصل شود. با توجه به این تفاسیر سوال این است که بانک‌های خصوصی چه تاثیری بر رشد اقتصادی ایران داشته‌اند؟

۲- مبانی نظری: توسعه مالی، مالکیت بانکی و بانکداری خصوصی

توسعه یافتگی هر چه بیشتر بخش مالی، زمینه مساعدی است که تخصیص بهینه منابع، نظارت بهتر، حداقل‌رسانی اطلاعات نامتقارن و رشد هر چه بیشتر اقتصادی را فراهم می‌کند. بنابراین، صنعت بانکداری در مرکز رشد اقتصادی قرار دارد (لی^۱، ۲۰۰۹). در این میان پاسخ به این پرسش که چگونه و تا چه میزان، بانک‌های دولتی و خصوصی‌سازی آن‌ها و همچنین تاسیس بانک‌های خصوصی بر ثبات و رشد بخش مالی تاثیر می‌گذارد، همیشه یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اساسی سیاست‌گذاران در این حوزه بوده و است. به عبارت دیگر، اهمیت بانک‌ها در نحوه مالکیتشان منعکس است (دیتریچ^۲، ۲۰۰۹) و نوع و نحوه مالکیت به طور قابل توجهی بر رفتار بانک تاثیر می‌گذارد.

با مطرح شدن نقش توسعه مالی در رشد و توسعه مالی کشورها و مدل‌سازی‌های اقتصادی مرتبط، کشورهایی که دارای نظام بانکی دولتی بودند به منظور بهبود کارآمدی نظام بانکی خود به سمت خصوصی‌سازی بانک‌ها و تاسیس بانک‌های خصوصی حرکت کردند، اما این مسیر از سوی بسیاری از نظریه‌پردازان مورد نقد واقع شد. تجربه برخی کشورها نیز در این خصوص قابل قبول نبود و بانکداری خصوصی خود عامل بروز برخی مشکلات در این کشورها شد.

۲-۱. دلایل مخالفان مالکیت خصوصی بانک‌ها

مالکیت دولتی بانک‌ها می‌تواند براساس اهداف غیراقتصادی، برای مثال چاره‌ای برای جبران کاستی و ناکامی بازار در نیل به اهداف هنجاری جامعه، توجیه شود (دی وینسنزو و همکاران^۳، ۲۰۰۹). حوادث اخیر در نظام بانکی آمریکا و برخی کشورهای دیگر که

1- Lee, S. W.

2- Dietrich, B. H.

3- De Vincenzo et al.

موجب پیدایش بحران مالی فراگیر و جهانی شد، عیوب ذاتی نظام بانکداری خصوصی را نشان داد و به ملی کردن بانک‌های متعددی در اروپا و آمریکا منجر شد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸). یکی از دلایل بحران‌های بانکی اخیر در جهان، سوءاستفاده مدیران بانکی از قدرت خود و توسعه بی‌رویه اعتبارات بوده که در نتیجه، باعث ریسک اعتباری و بحران بدهی‌های بانک‌ها شده است. پرداخت وام‌ها با ریسک‌های اعتباری فراوان به دلیل طمع کاری مدیران بانک‌ها انجام شده است تا پاداش‌های کلان دریافت کنند؛ این اقدام جسورانه و بی‌احتیاطی مدیران، هزینه‌های اجتماعی وسیعی را به صورت بحران اعتباری به کل جامعه تحمیل می‌کند که در نهایت، این وضعیت، عقلانیت خصوصی سازی بانک‌ها و تاسیس بانک‌های خصوصی را با پرسش جدی مواجه می‌کند.

بی‌ثباتی ذاتی بانک‌ها عامل دیگری بر تاکید بانکداری دولتی است. از دلایل مهم بی‌ثباتی بانکی این است که بانک‌ها به دلیل نقشی که به عنوان واسطه و رابط ایفا می‌کنند، بالقوه نهادهای بی‌ثباتی هستند (دیتریچ، ۲۰۰۹). یکی از مشکلات مربوط به بی‌ثباتی بانک‌ها، جریان‌های مسری^۱ است که هسته مرکزی مفهوم ریسک فراگیر^۲ است. جریان‌های مسری به معنی مشکلات بانکی از یک بانک به نظام بانکی است. برای مثال، ورشکستگی یک بانک، موجب ورشکستگی سایر بانک‌ها در یک نظام مالی می‌شود (دراگومیر^۳، ۲۰۱۰).

بانک‌ها واسطه‌های خاصی هستند؛ ریسکی که آن‌ها متحمل می‌شوند، متفاوت با ریسکی است که سایر واسطه‌های مالی می‌پذیرند. این وصف ریسک خاص بانک‌ها به ماهیت ویژه سپرده‌ها مربوط می‌شود؛ بدین معنی که درخصوص اوراق بهادار انصراف دارنده از داشتن اوراق با خرید اوراق مزبور توسط سرمایه‌گذار دیگر همراه است. در حالی که درخصوص بانک‌ها این‌گونه نیست و در صورت انصراف عمده سپرده‌گذاران و خارج کردن سرمایه‌های خود از بانک، ممکن است بانک به دلیل عدم ایجاد نقدینگی و متعاقب آن، ناتوانی در ایفای تعهدات خود با مشکلات اساسی مواجه شود. ذات بی‌ثبات بانکداری، نقش بانکداری دولتی را پررنگ‌تر می‌کند، چراکه مدیران دولتی با احتیاط‌تر عمل می‌کنند و این بی‌ثباتی‌ها در بانک‌های دولتی کمتر رخ می‌دهد.

1- Contagion Channels

2- Systemic Risk

3- Dragomir, L.

ناکامی‌ها و مشکلاتی که بانک‌های خصوصی در سال‌های اخیر داشته‌اند، بیشتر ناشی از فقدان یا عدم اجرای مقررات احتیاطی بانکی بوده است. حتی با وجود موارد بسیار خصوصی‌سازی بانک‌ها، بانک‌های دولتی هنوز نقش محوری را در نظام مالی اکثر کشورها بر عهده دارند؛ زیرا بانک و بانکداری به طور مرسوم جزء بخش‌ها یا اعمال مهمی است که باید تحت کنترل دولت باشد (اندروز، ۲۰۰۵). به بیان دیگر، شکست بازار و اهداف توسعه، حضور دولت در بانکداری را توجیه می‌کند. طرف‌داران مالکیت دولتی بانک‌ها معتقدند بازارهای مالی به طور عام و بخش بانکی به طور خاص از سایر بازارها متفاوت هستند و این مداخله دولت می‌تواند عملکرد بخش مالی و عملکرد کلی اقتصاد را بهبود بخشد. این دیدگاه به نقش بخش عمومی در جبران نقایص بازار (که سرمایه‌گذاری‌های سودآور به لحاظ اجتماعی را بدون تامین مالی باقی می‌گذارد) تاکید دارد (استیگلیتز^۲، ۱۹۹۳). در واقع مالکیت دولتی بانک‌ها، راهی برای اطمینان از تعادل میان اهداف اقتصادی و اجتماعی به جای تمرکز صرف بر حداکثرسازی سود و نیز پاسخی به شکست‌های بازار به ویژه در چالش‌های درگیر با کارایی بازار به وسیله انحصار طبیعی و روشی برای درونی کردن آثار خارجی است (لشکری و هژبرالساداتی، ۱۳۸۹).

گروهی دیگر از جمله کلارک و همکاران^۳ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که نظام حاکم بر بخش‌های بانکی در تعداد کمی از کشورهای توسعه یافته، نظام دولتی است، اما بانک‌های دولتی این کشورها، نقش مهمی را در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا می‌کند. این دیدگاه، بر نیاز مداخله بخش عمومی در اقتصادهایی تاکید دارد که کمیابی سرمایه، بی‌اعتمادی فراگیر در بین عموم و رویه‌های شیدانه در میان بدهکاران که می‌تواند ایجاد بخش مالی به نسبت بزرگی را که برای تسهیل رشد اقتصادی لازم است با شکست مواجه کند (استیگلیتز، ۱۹۹۴). در این شرایط نقش بانک‌های دولتی به شدت پررنگ خواهد بود.

دیتریچ (۲۰۰۹) چهار دلیل برای مالکیت عمومی بنگاه‌های اقتصادی بر می‌شمرد: اولین دلیل این است که مالکیت عمومی در صنایعی که با کاستی‌های گسترده بازار توصیف شده است و تهدیدهایی را به کارایی اقتصادی وارد می‌کند، ضروری در نظر گرفته شده است.

1- Andrews, M. M.

2- Stiglitz, J. E.

3- Clarke et al.

دومین دلیل این است که در اغلب موارد، مالکیت عمومی، زمانی که اطلاعات نامتقارن، قرارداد میان تولیدکننده و عموم مردم را با مشکل مواجه می‌کند، مطلوب دیده شده است. سومین دلیل این است که مالکیت عموم، در جایی که مطلوب شناخته شده است، اغلب به منظور تعادل اقتصادی و تحقق اهداف اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. چهارمین دلیل نیز این است که مالکیت عمومی در گذشته به عنوان راه‌حلی ضروری به منظور تضمین سیاست‌های مطلوب توزیع مجدداً مورد توجه قرار می‌گرفته است.

به طور کلی از دیدگاه طرفداران دولتی بودن بانک‌ها در صورتی که عملکرد این بانک‌ها به طور صحیح و مطابق با وظایف محوله باشد، بهتر از بانک‌های خصوصی عمل خواهند کرد. برای مثال، می‌توان با به‌کارگیری عوامل موثر بر ایجاد و تقویت تعهد سازمانی، مانند امنیت شغلی، مشارکت در هدف‌گذاری و مشارکت در تصمیم‌گیری، موجب افزایش تعهد سازمانی کارکنان بانک‌های دولتی شد. تعهد سازمانی فقط به معنای وفاداری فرد به سازمان نیست، بلکه فرآیندی مستمر است که از طریق آن، کارکنان سازمان علاقه خود را به سازمان، اهداف و ارزش‌های آن ابراز می‌کنند (صفرنیا، ۱۳۹۰).

گروهی از طرفداران مالکیت دولتی معتقدند از آنجا که بانک‌های خصوصی برای جذب سپرده‌های مردم، سود بیشتری خواهند داد، مجبورند سرمایه‌ها را در فعالیتهای زود بازده متمرکز سازند که منجر به رواج فعالیتهای نظیر بسازوبفروشی و دلالی که برای اقتصاد کشور مضر هستند، می‌شود. همچنین تقویت بانک‌های خصوصی هنگامی که فضای رقابتی شکل نگرفته و ترتیبات نهادی به گونه‌ای نیست که فعالیتهای مولد را تشویق و سودآوری را محدود کند نه تنها رشد اقتصادی را موجب نمی‌شود، بلکه باعث بروز بحران در جامعه می‌شود.

۲-۲. دلایل موافقان مالکیت خصوصی بانک‌ها

تاریخ بانکداری خصوصی طولانی است و تقریباً از قرن هفدهم به ویژه در انگلیس شروع شده است. تعداد بانک‌های خصوصی شده در سراسر دنیا از اواسط دهه ۱۹۷۰، نشان می‌دهد که چگونه مالکیت دولتی بانک‌ها از طرف سیاست‌گذاران، غیرمطلوب دیده شده است. خصوصی‌سازی بانک‌ها تنها مساله تخصصی حقوقی یا قانونی نیست، بلکه بیشتر

مسئله‌ای سیاسی است. برای مثال، نظام بانکداری در کشور برزیل، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام در آمریکای لاتین است. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین، بانک‌های با مالکیت دولتی در این کشور به دلیل استفاده از آن‌ها به منظور تحقق اهداف سیاسی و اجتماعی با بحران حادی روبه‌رو بوده‌اند. به همین دلیل، بانک‌های دولتی نسبت به بانک‌های خصوصی از ثمربخشی کمتری برخوردار بوده و خصوصی‌سازی تأثیری مثبت بر بهره‌وری^۱ بانک‌ها داشته است (ناکین و وینترب^۲، ۲۰۰۵).

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در جایی که هنوز بانک‌ها تحت کنترل دولت هستند، عدم کارایی و اغلب انگیزه‌های سیاسی اعمالی در بخش بانکداری و سرانجام ناامیدی از نیل به توسعه اقتصادی را شاهد هستیم. در چند سال اخیر، تعداد فراوانی از راه‌حل‌های نظری و عملی در بانکداری خصوصی انجام شده است. در همه این اقدامات به دو موضوع توجه شده است؛ اول، ساختارهای معاملاتی^۳ و فرآیند فنی و تخصصی خصوصی‌سازی بانک‌ها و دوم، کارکرد موفق پس از خصوصی‌سازی بانک‌های خصوصی شده (عمران^۴، ۲۰۰۷).

به طور کلی، دو عامل مهم منجر به توجه دولت‌ها به بانکداری خصوصی شده است؛ دلیل اول این است که دلایل روشنی درباره عدم کارایی مالکیت دولتی در اجرای اهداف و برنامه‌های خود وجود داشته است. دوم اینکه توسعه نظام مالی از طریق بخش خصوصی، موجب افزایش رشد اقتصادی خواهد شد. درباره اینکه چرا مالکیت دولتی به طور ذاتی از کارایی کمتری نسبت به مالکیت خصوصی برخوردار است، گفته شده است که مدیران دولتی انگیزه‌های کمتر یا انگیزه‌های نامطلوب بیشتری نسبت به مدیران بخش‌های خصوصی دارند و از این رو، جدیت کمتری نسبت به حداکثرسازی درآمدها به ویژه حداقل‌سازی هزینه‌ها دارند. طرفداران بانکداری با مالکیت خصوصی، مدعی هستند که کارمندان بخش خصوصی، بهتر از کارمندان بخش دولتی وظایف را انجام می‌دهند و معتقدند خصوصی‌سازی می‌تواند به بهبود عرضه و کاهش هزینه خدمات کمک کند. آن‌ها تأکید می‌کنند که خصوصی‌سازی بخش‌های دولتی به

1- Productivity
2- Nakane and Weintraub
3- Transactional Structures
4- Omran, M.

مسئولیت‌پذیری و ارتقای شفافیت در این بخش کمک خواهد کرد (فرازمند، ۲۰۰۸). علاوه بر این، بخش دولتی در معرض نظارت متمرکز کمتری از طرف مالکان قرار دارد و نکته سوم در مورد مواجهه بخش دولتی با محدودیت‌های مالی است. این امر بیانگر این موضوع است که انتقادهای صورت گرفته حتی با وجود پذیرش سیاست‌مدارانی که شرکت‌های دولتی را ایجاد کرده‌اند و بر آن‌ها نظارت می‌کنند و اهداف خیرخواهانه دارند، درست و بجا بوده است.

در خصوص مورد شکست بازار در بانک‌ها، گروهی معتقدند که بانک‌ها الزامات متفاوت از سایر کسب‌وکارها نیستند و در مورد نقایص بازارهای مالی معمولاً اغراق شده است (استیگلر^۱، ۱۹۶۷). آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که بهتر است شکست بازار را به جای مالکیت مستقیم دولت از طریق مقررات‌زایی دنبال کرد. این «دیدگاه سیاسی» بیان می‌کند که سیاست‌مداران، مالکیت دولتی بانک‌ها را ایجاد کرده و از آن حمایت می‌کنند که این امر نه به جهت کانالیزه کردن وجوه به سوی کاربردهای بهینه اجتماعی، بلکه برای حداکثر کردن اهداف شخصی سیاست‌مداران است (لاپورتا و همکاران^۲، ۲۰۰۲).

بانک‌ها با جذب سپرده‌های مردم و به جریان انداختن وجوه جمع‌آوری شده به انجام کارکردهای خود می‌پردازند. چنانچه جذب، تخصیص و به جریان انداختن این منابع به صورت کارا صورت گیرد، می‌تواند بستر لازم را برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی فراهم کند، اما اگر شیوه جذب و به کارگیری سپرده‌ها به صورت نامطلوب انجام پذیرد، نه تنها موجبات رشد و توسعه را فراهم نمی‌کند، بلکه باعث بروز بحران در جامعه می‌شود. در این راستا مگینسون و نتر^۳ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند بانک‌ها با مالکیت خصوصی می‌توانند گام‌های موثری در تخصیص منابع بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری بردارند. همچنین بانکداری خصوصی براساس رقابت استوار است که این امر اصولاً موجب تحرک و ابتکارات بیشتر در جمع‌آوری سرمایه‌های راکد خواهد شد.

1- Stigler, G. J.

2- La Porta et al.

3- Megginson and Netter.

۲-۳- بانکداری خصوصی و عوامل اثرگذار بر عملکرد آن

با مرور دیدگاه موافقان و مخالفان بانکداری خصوصی نمی‌توان به جمع‌بندی واحدی در خصوص نقش و اثر بانکداری خصوصی در عملکرد اقتصادی کشورها دست یافت. تجربه کشورها در خصوص بانکداری خصوصی نیز به گونه‌ای است که این جمع‌بندی از نتایج تجربی عملکرد آن‌ها قابل استخراج نیست؛ برخی کشورها بسیار مفید از ظرفیت بانک‌های خصوصی بهره برده‌اند و در هموارسازی مسیر رشد و توسعه خود حداکثر بهره را از فعالیت بانک‌های خصوصی به دست آورده‌اند و در طرف مقابل کشورهایی به واسطه عملکرد نامناسب بانک‌های خصوصی نه تنها بر چالش‌های قبلی اقتصاد خویش فائق نیامده‌اند، بلکه عملکرد این بانک‌ها مشکلات جدیدی را بر این کشورها تحمیل کرده است. این‌ها همه باعث شده است تا در ادبیات اقتصادی همواره خصوصی‌سازی بانک‌ها یا تاسیس بانک‌های خصوصی با پیش‌شرط‌هایی مشروط و ادعا شود که در صورت تحقق این موارد، عملکرد بانکداری خصوصی کمک‌کننده فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور خواهد بود. به بیان دیگر، هرگونه تغییر در ساختار نظام بانکی در صورتی که با پیش‌شرط‌هایی از جمله ثبات اقتصاد کلان، ساختار حقوقی صحیح و مناسب، اطلاعات مالی دقیق و تعهد دولت به ایجاد فضای بانکداری رقابتی، همراه باشد، می‌تواند موثر واقع شود. می‌توان بانکداری خصوصی را به عنوان یک هدف و سیاست مطلوب پیگیری کرد، اما به شرطی که مقررات قانونی بانکی مناسبی وضع و اجرا شود. برقراری نظم از طریق وضع مقررات شایسته و اجرای دقیق و محتاطانه آن مقررات، موجب می‌شود که منافع نصیب همگان شود (دانایی، ۱۳۸۴).

عقلایی بودن وضع مقررات بانکی، نکته مهمی در مبحث خصوصی‌سازی است. به طور کلی دو هدف عمده، لازمه ذاتی تمام مقررات‌گذاری‌ها برای بانک‌ها است. مورد اول، حمایت از مصرف‌کننده است که در این‌جا منظور، حمایت از سپرده‌گذاران است و مورد دوم، مساله ثبات نظام بانکی است (دراگومیر، ۲۰۱۰). برای مثال، طی فرآیند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشور مکزیک که در سال ۱۹۹۱ انجام شد، بر اساس بررسی‌های انجام شده، این دولت به کسب اطمینان از فرآیند صحیح و شفاف از طریق روند خصوصی‌سازی بانک توجه نشان می‌داد، اما فقدان یک ساختار حقوقی و

قانون‌گذاری و نیز ممیزی سست و ضعیف در مدت کوتاهی بعد از خصوصی‌سازی، نظام مالی کشور مکزیکی را با بحران بانکی مواجه کرد (اونال و همکاران^۱، ۱۹۹۹).

مارسلین و ماتور^۲ (۲۰۱۵) بحث می‌کنند که چگونه ترتیبات نهادی مانند حقوق مالکیت، حقوق قراردادها، نهادهای سیاسی و نظام حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های خصوصی شده و به تبع توسعه بازار سرمایه و رشد اقتصادی تاثیرگذار است. عملکرد بنگاه‌های خصوصی شده در کشورها با نظام قانونی و چارچوب حقوق متعالی، بهتر از سایر کشورها است. به واقع هرچه نهادهای اقتصادی و حکمرانی متعالی‌تر باشند، محیط برای بقای بنگاه‌های خصوصی شده و نیز تاثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی بیشتر فراهم است.

در بحث خصوصی‌سازی بانک‌ها، کارایی و ایجاد فضای رقابتی بانکی نیز مطرح می‌شود، چراکه کلید نظریه فرآیند خصوصی‌سازی بانک‌ها این است که کارایی بخش بانکی، بهبود می‌یابد (سروش، ۱۳۸۶). در بررسی انجام شده در شش کشور در حال‌گذار؛ یعنی بلغارستان، جمهوری چک، کرواسی، مجارستان، لهستان و رومانی، عملکرد بانک‌های با مالکیت خارجی^۳ کاراترین و بانک‌های با مالکیت دولتی با حداقل کارایی برآورد شده است (بونین و همکاران^۴، ۲۰۰۵). به طور معمول زمانی که دولت به طور کامل نظارت خود بر بانک‌های دولتی کنار گذارد، زمانی که به بانک‌های خارجی اجازه مشارکت در فرآیند خصوصی‌سازی داده شود و زمانی که دولت رقابت را محدود نمی‌کند، خصوصی‌سازی بانک، موجب ارتقای کارایی و سودآوری آن خواهد شد (کلارک و همکاران، ۲۰۰۵). تا زمانی که دلیل اصلی فقدان انگیزه رقابت در بانک‌های دولتی که بیشتر ناشی از ساختار دولتی حاکم بر آن‌ها به ویژه در بخش مدیریت و نیروی انسانی است، مورد توجه قرار نگیرد، تنها ایجاد بانک‌های خصوصی، موجب پویایی بانک‌ها نخواهد شد (محراییان، ۱۳۸۲).

نتیجه مطالعه صادقی و احمدی (۱۳۹۱) در تاثیر بانک‌های خصوصی بر کارایی اقتصادی صنعت بانکداری جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که حذف مقررات ورود

1- Unal et al.

2- Marcelin and Mathur

3- Foreign-Owned Banks

4- Bonin et al.

با هدف افزایش کارایی در سیستم بانکی از طریق تئوری رقابت قابل توجیه است؛ یعنی انتظار می‌رفت که با لغو مقررات ورود، رقابت افزایش یافته و به دنبال آن کارایی صنعت بانکداری افزایش یابد. اما نکته‌ای که وجود دارد، این است که نباید به انتظار نشست تا با ورود آزادانه بانک‌ها به صنعت بانکداری، کارایی دیگر بانک‌ها به سرعت افزایش یابد، چراکه مقررات سختگیرانه ورود، تنها یکی از موانع ورود قلمداد می‌شود و نه تمامی آن. برکویتز و همکاران^۱ (۲۰۱۴) مساله ارتباطات سیاسی را مطرح و بیان می‌کنند که خصوصی سازی بانک‌ها زمانی سبب افزایش رشد اقتصادی شده که بانک‌ها ارتباطات سیاسی کمتری داشته‌اند. مگینسون (۲۰۱۷) نیز بیان می‌کند که ارتباطات سیاسی برای نهادهای مالی برای بخش خصوصی دارای منفعت و برای جامعه دارای هزینه است. تصمیم درباره اینکه آیا یک بانک دولتی باید خصوصی شود و چه زمانی باید این کار انجام شود، متضمن دلایل اقتصادی، حقوقی و به ویژه سیاسی است و دولت نیاز دارد که منافع و هزینه‌های خصوصی سازی را مورد توجه قرار دهد (بوهرمر و همکاران^۲، ۲۰۰۵). بر اساس پژوهش‌های پیشین در کشورهای توسعه یافته، بانک‌های دولتی که به طور معمول برای خصوصی سازی انتخاب می‌شوند در گذشته عملکرد ضعیفی از خود نشان داده‌اند (برگر و همکاران^۳، ۲۰۰۵). بنابراین، بانک‌های با کارکرد ضعیف، بسیار بیشتر در معرض خصوصی سازی قرار گرفته است.

۳- پیشنهاد پژوهش

مطالعات بسیاری در مورد بررسی اثر مالکیت دولتی در مقایسه با مالکیت خصوصی بانک‌ها بر رشد اقتصادی در کشورهای مختلف انجام شده است. باتچاریا و همکاران^۴ (۱۹۹۷) با استفاده از شیوه تحلیل جامع داده‌ها به بررسی کارایی نسبی ۷۰ بانک تحت مالکیت دولت، سرمایه‌گذاران خارجی و بخش خصوصی در هند در مراحل اولیه برقراری آزادی (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱) می‌پردازند و درمی‌یابند که در این دوره، بانک‌های دولتی کارآمدترین و بانک‌های بخش خصوصی ناکارآمدترین بانک‌ها در عرضه خدمات مالی به مشتریان بوده‌اند. آن‌ها

1- Berkowitz et al.

2- Boehmer et al.

3- Berger et al.

4- Bhattacharya et al.

همچنین درمی‌یابند که بانک‌های خارجی در این دوره در ابعاد چشم‌گیری سهم خود از بازار را به هزینه بانک‌های دولتی افزایش داده‌اند.

وربرو و همکاران^۱ (۱۹۹۹) شرایط عرضه عمومی ۶۵ بانک را که به طور کامل یا بخشی بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ واگذار شده‌اند، بررسی می‌کنند. سپس تغییرات پیش و پس از خصوصی‌سازی ۳۲ بانک در کشورهای OECD و ۵ بانک در کشورهای در حال توسعه با یکدیگر مقایسه و بهبود متوسطی را در عملکرد بانک‌های کشورهای OECD ثبت می‌کنند. نرخ‌های نماینده سودآوری، درآمد کارمزدی (درآمد غیربهره‌ای به عنوان درصدی از کل درآمد) و بسندگی سرمایه افزایش چشم‌گیر و نسبت قدرت بسیار کاهش می‌یابد.

براز^۲ (۱۹۹۹) به بررسی ملی‌سازی نظام بانکداری خصوصی پرتغال و همچنین خصوصی‌سازی مجدد همین بانک‌ها پس از سال ۱۹۹۰ می‌پردازد. یافته‌های مطالعه نشان از آن دارد که ۱- کارآیی تولیدی بانک‌های خصوصی شده و نیز نسبت دارایی به کارکنان در ابعاد برجسته‌ای پس از واگذاری افزایش یافته است. ۲- بانک‌های واگذار شده در مقایسه با بانک‌های دولتی تعداد کارکنان خود را در ابعاد قابل ملاحظه‌ای کاهش داده‌اند و ۳- بانک‌های خصوصی شده نسبت به بانک‌های دولتی رشد بسیار سریع‌تری را در تعداد شعبات خود تجربه کردند.

لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های مربوط به ۹۲ کشور به بررسی این موضوع می‌پردازند که آیا مالکیت دولتی بانک‌ها بر سطح توسعه نظام مالی، نرخ رشد اقتصادی و بهره‌وری تاثیر می‌گذارد. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد که مالکیت دولتی به ویژه در کشورهای فقیر گسترده است و نرخ رشد اقتصادی را بیشتر تاثیر مالکیت دولتی بر بهره‌وری، محدود می‌کند. مالکیت گسترده‌تر دولت در دهه ۱۹۷۰ با توسعه مالی محدودتر و نرخ رشد پایین‌تر در بهره‌وری و درآمد سرانه همراه بود.

بک و همکاران^۳ (۲۰۰۳) با استفاده از مجموعه نامتوازنی از ۶۹ بانک نیجریه‌ای با داده‌های سالانه مربوط به سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ به تحلیل تاثیر خصوصی‌سازی بر عملکرد می‌پردازند. آن‌ها بر بانک‌هایی تمرکز می‌کنند که در این دوره به طور کامل واگذار

1- Verbrugge et al.

2- Braz, J.

3- Beck et al.

شده‌اند. تاثیر مثبت و چشم‌گیر خصوصی‌سازی را حتی بر اقتصاد کلان و محیط نظارتی که با واسطه‌گری مالی سرنا سازگاری داشت، نشان می‌دهند. خصوصی‌سازی به از بین رفتن شکاف عمیق بین عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در نیجریه کمک کرد، اگر چه عملکرد بنگاه‌های واگذار شده هرگز از بانک‌های خصوصی پیشی نگرفت.

برکویتز و همکاران (۲۰۱۴) اثر خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی بر تامین مالی و رشد اقتصادی را مطالعه کرده‌اند که برای این مطالعه از اطلاعات عملکرد بانک‌های خصوصی شده در روسیه استفاده کرده‌اند. نتایج بررسی حاکی از آن است که هرچند میزان تامین مالی پس از خصوصی شدن افزایش داشته، اما منجر به بهبود رشد اقتصادی نشده است. هرچند خصوصی‌سازی بانک‌ها زمانی سبب افزایش رشد اقتصادی شده که بانک‌ها ارتباطات سیاسی کمتری داشته و حقوق مالکیت بهتر مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

مارسلین و ماتور (۲۰۱۵) در مطالعه خود با بررسی خصوصی‌سازی و توسعه مالی با در نظر داشتن حقوق مالکیت و تاثیر آن بر رشد اقتصادی، نشان می‌دهند که چگونه ترتیبات نهادی مانند حقوق مالکیت، حقوق قراردادهای، نهادهای سیاسی و نظام حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های خصوصی شده و به تبع توسعه بازار سرمایه و رشد اقتصادی تاثیر داشته‌اند. ایشان همچنین عنوان می‌کنند که عملکرد بنگاه‌های خصوصی شده در کشورها با نظام قانونی و چارچوب حقوق متعالی، بهتر است. به واقع هرچه نهادهای اقتصادی و حکمرانی متعالی تر باشند، محیط برای بقای بنگاه‌های خصوصی شده و نیز تاثیر آن‌ها بر رشد اقتصادی بیشتر فراهم است.

مگینسون (۲۰۱۷) در مطالعه خود تحولات سیاسی و اقتصادی مربوط به خصوصی‌سازی را پس از سال ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج مطالعه حاکی از این است که ارتباطات سیاسی برای نهادهای مالی برای بخش خصوصی دارای منفعت و برای جامعه دارای هزینه است.

بحرینی و همکاران (۱۳۸۷) در بررسی کارایی بانک‌های دولتی و خصوصی به طور کلی و با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها نشان می‌دهد کارایی با «نگرش درآمدی» بانک‌های دولتی بیش از بانک‌های خصوصی است که علت آن نیز تازه تاسیس بودن این بانک‌ها و نیز دیدگاه‌های مدیریتی متفاوت این نوع بانک‌ها در استفاده از نهادهای تولید است. در نگرش «ارزش افزوده» ملاحظه می‌شود که کارایی

بانک‌های خصوصی بیش از بانک‌های دولتی است و علت اصلی آن بالا بودن کارایی فنی در این بانک‌ها است.

۴- معرفی مدل و متغیرها

با الگوبرداری از مدل استفاده شده در پژوهش لاپورتا و همکاران^۱ (۲۰۰۲) دارد، در این مطالعه الگوی ریاضی ارائه شده در رابطه (۱) جهت تخمین معرفی شده است.

$$LGDP_t = \beta_0 + \beta_1 LK_t + \beta_2 LL_t + \beta_3 LFDI_t + \beta_4 LPBI_t + \mu_t \quad (1)$$

که در آن $LGDP_t$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی حقیقی، LK_t لگاریتم موجودی سرمایه حقیقی، LL_t لگاریتم تعداد نیروی کار شاغل، $LFDI_t$ لگاریتم شاخص توسعه مالی، $LPBI_t$ لگاریتم شاخص مشخص‌کننده جایگاه بانکداری خصوصی است. تعاریف عملیاتی و منبع آماری متغیرهای مدل به شرح زیر است:

GDP_t : تولید ناخالص داخلی حقیقی (به قیمت ۱۳۹۵) که از بانک اطلاعات سری‌زمانی (فصلی) بانک مرکزی حاصل شده است.
 K_t : موجودی سرمایه حقیقی که از بانک اطلاعات سری‌زمانی (فصلی) بانک مرکزی حاصل شده است.

L_t : تعداد نیروی کار شاغل که از داده‌های سری‌زمانی (فصلی) مرکز آمار ایران به دست آمده است.

FDI_t : شاخص توسعه مالی که از نسبت مانده تسهیلات کل به تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری حاصل شده است. اطلاعات مورد نیاز از بانک اطلاعات سری‌زمانی (فصلی) بانک مرکزی حاصل شده است. آسونگا^۲ (۲۰۱۴)، هامدی و همکاران^۳ (۲۰۱۳)، شان و موریس^۴ (۲۰۰۱) و اندرسن و همکاران^۵ (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود از این شاخص بهره برده‌اند.

-
- 1- La Porta et al.
 - 2- Asongu, S. A.
 - 3- Hamdi, H., Hakimi, A. and Sbia, R.
 - 4- Shan, J. and, A.
 - 5- Andersen, T. Morris B. and Tarp, F.

PBI_t : شاخص بانکداری خصوصی است که برابر است با نسبت سپرده‌های بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی به بانک‌های دولتی.

۵- تخمین مدل

۵-۱- آزمون ریشه واحد

برای برآورد مدل، ابتدا آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون کیاتواسکی، فیلیپس، اسمید و شین^۱ روی متغیرها در دوره ۱۳۹۶-۱۳۸۲ انجام شده است و نتایج در جدول (۱) ارائه شده است. فرضیه H_0 در این آزمون عدم وجود ریشه واحد یا به عبارتی مانایی متغیر است (عکس آزمون دیکی فولر تعمیم یافته و فیلیپس-پرون). بنابراین، چنانچه آماره آزمون کمتر از مقدار بحرانی شود، فرضیه H_0 مبنی بر عدم وجود ریشه واحد رد نمی‌شود و می‌توان ادعا کرد که متغیر مورد نظر مانا است.

همان گونه که در جدول (۱) آمده است، نتایج آزمون مانایی متغیرها نشان می‌دهد که برای همه متغیرها به غیر از متغیرهای LK و $LGDP$ در سطح معنی داری ۵ درصد، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را رد می‌کنیم و در نتیجه تمامی متغیرها بجز LK و $LGDP$ در سطح مانا یا به عبارتی $I(0)$ هستند. در ادامه برای تعیین درجه هم‌جمعی متغیرهای $LGDP$ و LK آزمون ریشه واحد را برای تفاضل این متغیرها انجام می‌دهیم (جدول (۲)). همان‌طور که مشاهده می‌شود تفاضل این متغیرها، مانا است که نشان از درجه هم‌جمعی $I(1)$ دارد.

جدول ۱. نتایج مانایی سری‌ها با استفاده از آزمون KPSS

وضعیت سری	با عرض از مبدا و روند		با عرض از مبدا		نام متغیر
	آماره KPSS	نقطه بحرانی (۵ درصد)	آماره KPSS	نقطه بحرانی (۵ درصد)	
نامانا	۰/۱۶۸	۰/۱۴۶	۰/۸۸۰	۰/۴۶۳	LGDP
نامانا	۰/۲۴۳	۰/۱۴۶	۰/۹۳۵	۰/۴۶۳	LK
نامانا	۰/۱۵۸	۰/۱۴۶	۰/۸۱۲	۰/۴۶۳	LL
مانا	۰/۲۴۱	۰/۱۴۶	۰/۲۸۷	۰/۴۶۳	LFDI
مانا	۰/۱۴۱	۰/۱۴۶	۰/۸۹۴	۰/۴۶۳	LPBI

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1- Kwiatkowski, Phillips, Schmidt and Shin

جدول ۲. نتایج مانایی تفاضل مرتبه اول سری‌ها با استفاده از آزمون KPSS

وضعیت سری	با عرض از مبدا و روند		با عرض از مبدا		نام متغیر
	آماره KPSS	نقطه بحرانی (۵ درصد)	آماره KPSS	نقطه بحرانی (۵ درصد)	
مانا	۰/۱۱۶	۰/۱۴۶	۰/۱۷۱	۰/۴۶۳	D(LGDP)
مانا	۰/۱۴۸	۰/۱۴۶	۰/۴۱۶	۰/۴۶۳	D(LK)
مانا	۰/۱۱۱	۰/۱۴۶	۰/۱۳۱	۰/۴۶۳	D(LL)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌ای که از آزمون مانایی سری‌ها به دست می‌آید این است که متغیرهای LFDI و LPBI در سطح مانا هستند. به عبارت دیگر، درجه هم‌جمعی آن‌ها $I(0)$ است و برای سه متغیر LL، LGDP و LK تفاضل مرتبه اول آن‌ها در مدل با لحاظ عرض از مبدا مانا است و درجه هم‌جمعی آن‌ها $I(1)$ است و در مدل با لحاظ عرض از مبدا و روند دو متغیر LL و LGDP در سطح ۵ درصد و متغیر LK در سطح یک درصد ماناست. با توجه به مرتبه انباشتگی متفاوت سری‌های زمانی به نظر می‌رسد استفاده از الگوی خود رگرسیون با وقفه توزیعی^۱ مناسب است. همچنین همانطور که محمدی (۱۳۹۰) نشان داده است، استفاده از الگوی ARDL زمانی صحیح است که تعداد متغیرهای نامانای موجود در الگو (با مرتبه انباشتگی یکسان) بیشتر از یک متغیر باشد و بین آن‌ها رابطه هم‌انباشتگی وجود داشته باشد. قبل از تخمین مدل برای اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون برآوردی از روش هم‌انباشتگی^۲ کمک گرفته می‌شود تا بتوان رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل را تایید کرده و مدل موردنظر را براساس سطح متغیرهای سری‌زمانی برآورد کرد.

نکته قابل ذکر این است که در خصوص آزمون ریشه واحد، جهت اطمینان بیشتر نتایج از آزمون KPSS نیز استفاده شده است که به دلیل صرفه‌جویی تنها نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته گزارش شده است. نتایج این آزمون نیز تایید کننده نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم یافته است.

1- An Autoregressive Distributed Lag (ARDL) Model

2- Cointegration

۵-۲- آزمون هم‌انباشتگی

آزمون باندا^۱، روشی برای بررسی هم‌انباشتگی متغیرها است. مقادیر بحرانی آماره F توسط نارایان^۲ تعیین شده است. بر اساس این آزمون، اگر مقدار آماره F محاسبه شده بین حد بالا و پایین مقادیر بحرانی آماره F باشد، نمی‌توان به طور قطع در این زمینه اظهار نظر کرد. در صورتی که مقدار آماره محاسبه شده از حد بالا بیشتر باشد، فرضیه H_0 رد شده و فرضیه مقابل مبنی بر وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در مقادیر سطح پذیرفته می‌شود. اگر مقدار آماره محاسبه شده کمتر از حد پایین باشد، فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها در مقادیر سطح را نمی‌توان رد کرد. آماره F حاصل از آزمون کرانه‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود آماره F محاسباتی بزرگ‌تر از کران بالا است. بنابراین، می‌توان گفت متغیرها هم‌انباشته هستند یا به عبارت دیگر بین آن‌ها رابطه بلندمدت وجود دارد. در واقع متغیرها روی یک طول موج حرکت می‌کنند و رابطه این رگرسیون‌ها می‌تواند کاملاً بامفهوم باشد.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون کرانه‌ها بین متغیرهای مدل

نتیجه	آماره آزمون	مقدار بحرانی (۵ درصد)	
		I(1)	I(0)
وجود رابطه بلندمدت	۹/۰۲۸	۳/۴۹	۲/۵۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بعد از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای دو مدل، می‌توانیم مدل را مجدد به شکل تصحیح خطا درآورده و پویایی‌های کوتاه‌مدت و سرعت تعدیل را تحلیل کنیم. تحت این شرایط می‌توان از روش اتورگرسیون با وقفه توزیعی، ARDL به عنوان یک الگوی مقتضی بهره جست. مزیت به کارگیری روش ARDL این است که صرف‌نظر از مانایی متغیرهای توضیحی، می‌توان رابطه همگرایی بین متغیرها را نیز بررسی کرد.

1- Bounds Test

2- Narayan, P. K.

۵-۳- برآورد ضرایب کوتاه‌مدت

مدل مورد استفاده در این پژوهش را براساس روش اتورگرسیون با وقفه توزیعی، ARDL برآورد می‌کنیم. در این بررسی از معیار حنان-کوئین^۱ به منظور تعیین بهینه وقفه‌های مدل استفاده کرده‌ایم. نتایج حاصل از تخمین کوتاه‌مدت مدل‌ها در جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴. نتایج برآورد کوتاه‌مدت مدل
(متغیر وابسته: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
LGDP(-1)	۰/۰۸۴۸۸	۰/۱۳۸	۰/۶۱۵	۰/۵۴
LK	۰/۷۱۹	۰/۱۸۱	۳/۹۷	۰/۰۰۰۳
LL	۰/۲۰۸	۰/۲۷۰	۰/۷۶۶	۰/۴۴۸
LL(-1)	۰/۸۴۱	۰/۲۲۹	۳/۶۶۲	۰/۰۰۰۷
LL(-2)	-۰/۶۶۱	۰/۲۶۲	-۲/۵۱۸	۰/۰۱۵۸
LL(-3)	۰/۶۴۵	۰/۲۶۴	۲/۴۳۵	۰/۰۱۹
LL(-4)	۰/۶۱۱	۰/۲۷۹	۲/۱۸۹	۰/۰۳۴
LFDI	-۰/۲۳۷	۰/۲۰۳	-۱/۱۶۲	۰/۲۵۱
LFDI(-1)	-۰/۰۲۷۷	۰/۲۵۵	-۰/۱۰۹	۰/۹۱۴
LFDI(-2)	۰/۳۶۴	۰/۱۸۸	۱/۹۳۳	۰/۰۶۰
LPBI	۰/۰۰۰۷	۰/۰۴۷	۰/۰۱۴۵	۰/۹۸۸
LPBI(-1)	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۹۴
LPBI(-2)	۰/۰۲۵	۰/۰۷۰	۰/۳۵۶	۰/۷۲
LPBI(-3)	-۰/۱۲۱	۰/۰۴۵	-۲/۶۶۵	۰/۰۱۱
C	-۲۶/۸۷	۵/۸۶۲	-۴/۵۸۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

قبل از تفسیر ضرایب کوتاه‌مدت، آزمون‌های تشخیص را برای مدل برآوردی انجام می‌دهیم. براساس آزمون‌های تشخیص که در جدول (۵) ارائه شده، فرضیه عدم وجود

1- Hannan-Quinn Criterion

خودهمبستگی^۱ و عدم وجود ناهمسانی واریانس^۲ را در سطح ۵ درصد نمی‌توان رد کرد. بنابراین، مدل تخمینی با مشکل همبستگی سریالی و ناهمسانی واریانس مواجه نیست. همچنین به منظور بررسی ثبات ضرایب مدل از آزمون پسماند تجمعی^۳ CUSUM استفاده شده است. در این آزمون فرضیه صفر، ثبات پارامترها را در سطح معناداری ۵ درصد و در طول زمان مورد آزمون قرار می‌دهد. فاصله اطمینان در این آزمون دو خط مستقیم است که سطح اطمینان ۹۵ درصد را نشان می‌دهند. چنانچه آماره آزمون در بین این دو خط قرار گیرند، نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را رد کرد. همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد، آماره این آزمون در داخل خطوط مستقیم قرار دارد که این خود به معنی ثبات ضرایب در سطح معناداری ۵ درصد است. به عبارت دیگر نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر ثبات ضرایب را در سطح اطمینان ۹۵ درصد را رد کرد.

حال که از صحت مدل براساس جدول (۵) و آزمون ثبات ساختاری اطمینان حاصل شد، می‌توان به تفسیر ضرایب پرداخت. مشاهده می‌شود معیار حتان - کوئین وقفه بهینه برای متغیر وابسته را ۱ در نظر گرفته است، اما این ضریب در کوتاه مدت بی‌معنی است. بنابراین، از اعتبار لازم جهت تفسیر برخوردار نیست. ضریب متغیرهای موجودی سرمایه و نیروی کار نیز همان‌طور که انتظار می‌رود، مثبت حاصل شده است. متغیر نیروی کار با چهار وقفه ظاهر شده است که اثرات وقفه‌ای آن در وقفه اول بی‌معنی، وقفه دوم دارای اثر منفی و پس از دو دوره اثرات مثبت متغیر نیروی کار ظاهر می‌شود. همچنین ضریب متغیر توسعه مالی که با دو وقفه در مدل ظاهر شده است در دو دوره اول، بی‌معنی و پس از یک دوره، اثر مثبت و معنادار خود را بر تولید می‌گذارد. در واقع مدل تخمینی به ما می‌گوید که وقتی تسهیلات بانکی افزایش می‌یابد، اثرات آن در دوره‌های بعد حاصل شده و تولید را افزایش می‌دهد. از آنجا که داده‌ها فصلی هستند این بدان معنا است که اثرات مثبت بهبود توسعه مالی بعد از یک فصل نمایان می‌شود و سریعاً اثر نمی‌گذارد.

1- Serial Correlation
2- Heteroscedasticity
3- Cumulative Sum of Recursive Residuals

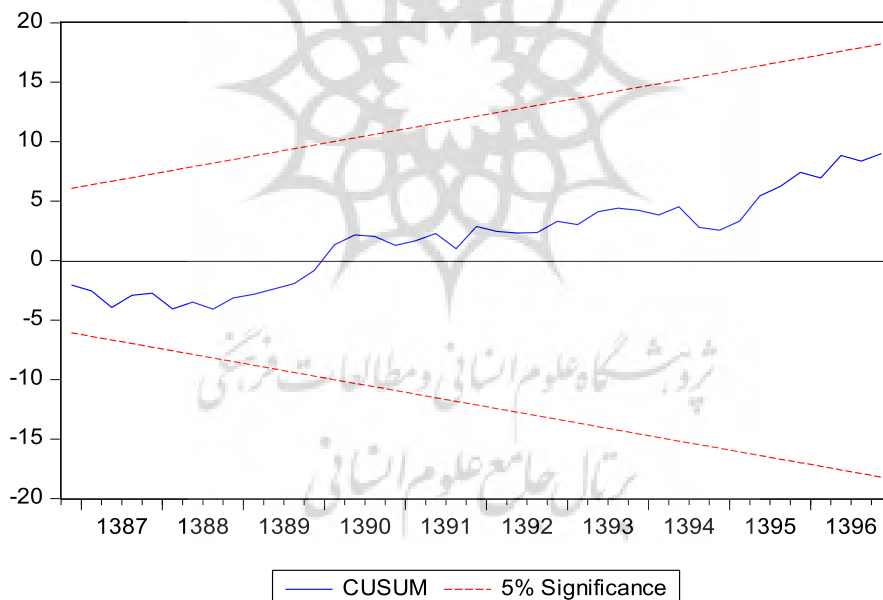
در خصوص ضریب شاخص بانکداری خصوصی، همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخص بانکداری خصوصی با سه وقفه در مدل ظاهر شده است و تا دو دوره اثر معنادار نیست، اما دوره سوم اثر منفی و معناداری بر تولید دارد. در تخمین‌های بلندمدت اثر این ضرایب به طور خالص تعیین می‌شود و در خصوص آن اظهار نظر خواهیم کرد.

جدول ۵. نتایج آزمون‌های تشخیص مدل

آزمون‌ها	آماره	prob
Serial correlation (Breusch-Godfrey)	$F(2, 39) = 0.075$	0.56
Heteroscedasticity (Breusch-Pagan-Godfrey)	$F(14, 41) = 0.971$	0.497

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱. آزمون ثبات ساختاری مدل: آزمون CUSUM



مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۴- برآورد ضرایب بلندمدت

نتایج حاصل از تخمین بلندمدت مدل در جدول (۶) ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضریب شاخص توسعه مالی، FDI، مثبت و معنادار حاصل شده که نشان از اثر

مثبت توسعه مالی بر تولید اقتصادی کشور دارد. اما اثر بانکداری خصوصی بر تولید اقتصادی منفی شده است. پر واضح است که وقتی بانک‌های خصوصی از یک طرف، فعالیت‌های و تسهیلات خود را معطوف به بخش خدمات و بازرگانی کرده و خود نیز در بازار دارایی‌ها به دلالتی می‌پردازند و از طرف دیگر به بنگاه‌داری پرداخته و بخش قابل توجهی از منابع خود را در املاک و مستغلات منجمد می‌کنند، نه تنها نمی‌توانند مشکل بنگاه‌های تولیدی در تامین مالی را مرتفع کنند، بلکه با کمک به گسترش فعالیت‌های واسطه‌گری و دلالتی به ضرر بخش‌های تولیدی عمل می‌کنند.

جدول ۶. نتایج برآورد بلندمدت مدل^۱

(متغیر وابسته: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	prob
LK	۰/۷۸۶	۰/۱۷۷	۴/۴۳۶	۰/۰۰۰۱
LL	۱/۷۹۴	۰/۳۲	۵/۵۹۹	۰/۰۰
LFDI	۰/۱۰۹	۰/۰۵۵	۱/۹۸۳	۰/۰۵
LPBI	-۰/۰۹۹	۰/۰۲۸	-۳/۴۶۱	۰/۰۰۱
C	-۲۹/۳۶۳	۶/۱۶۹	-۴/۷۵۹۸	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵-۵- الگوی تصحیح خطا

در جدول (۷) برآورد الگوی تصحیح خطا آورده شده است. مشاهده می‌شود که ضریب تصحیح خطا منفی حاصل شده که نشان از به تعادل رسیدن مدل دارد. نکته جالب این است که ضریب تصحیح خطا بزرگ و نزدیک به ۱ حاصل شده است که نشان از سرعت بالای رسیدن به تعادل دارد. برای اطمینان از صحت مدل انجام شده در جدول (۸) آزمون‌های مورد نیاز پس از تخمین ارائه شده است.

۱- حالت‌های مختلف عرض از مبدا و روند مقید و نامقید مورد آزمون قرار گرفته که با توجه آزمون انجام شده مدل با روند غیرمقید و عرض از مبدا مقید انتخاب شده است.

جدول ۷. نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطا مدل
(متغیر وابسته: تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۸۳)

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	Prob
D(LK)	۰/۷۱۹	۰/۱۸۱	۳/۹۷۱	۰/۰۰۰
D(LL)	۰/۲۰۷	۰/۲۷۰	۰/۷۶۶	۰/۴۴۷
D(LL(-1))	۰/۶۶۱	۰/۲۶۲	۲/۵۱۸	۰/۰۱۵
D(LL(-2))	-۰/۶۴۴	۰/۲۶۴	-۲/۴۳۴	۰/۰۱۹
D(LL(-3))	-۰/۶۱۰	۰/۲۷۸	-۲/۱۸۸	۰/۰۳۴
D(LFDI)	-۰/۲۳۶	۰/۲۰۳	-۱/۱۶۲	۰/۲۵۱
D(LFDI(-1))	-۰/۳۶۴	۰/۱۸۸	-۱/۹۳۲	۰/۰۶۰
D(LPBI)	۰/۰۰۰۶	۰/۰۴۷	۰/۰۱۴۴	۰/۹۸۸
D(LPBI(-1))	-۰/۰۲۵	۰/۰۷۰	-۰/۳۵۵	۰/۷۲۳
D(LPBI(-2))	۰/۱۲۱	۰/۰۴۵	۲/۶۶۴	۰/۰۱۱
ECM(-1)	-۰/۹۱۵	۰/۱۳۷	-۶/۶۳۴	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۸. نتایج آزمون‌های پس از تخمین

۰/۲۸۸۵	P. F (2,39)	۱۲/۲۷۹۶	آماره F	آزمون خود همبستگی
۰/۲۳۱۳	P. chi-square (2)	۰/۹۲۷۹	R-squared	پسماندها
۰/۴۹۷۵	P. F (14,41)	۱۳/۹۴۶۸	آماره F	آزمون واریانس
۰/۴۵۳۷	P. chi-square (14)	۰/۹۷۱۲	R-squared	همسانی پسماندها

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۶- تفسیر نتایج: شواهدی از اقتصاد ایران

در بخش قبلی مشاهده شد که ضریب شاخص توسعه مالی مثبت و ضریب شاخص بانکداری خصوصی، منفی حاصل شد که این نشان از تاثیر مثبت توسعه مالی و اهمیت کیفیت توسعه مالی دارد. در واقع این اهمیت دارد که توسعه مالی با چه کیفیتی رخ می‌دهد؛ زیرا گسترش نامناسب بازارهای مالی می‌تواند اثرات مثبت توسعه مالی را خنثی کند. نتایج تخمین‌ها نشان می‌دهد هر چه سهم بانک‌های خصوصی در اقتصاد ایران بالاتر رفته، اثر منفی روی تولید اقتصادی داشته است. علت این موضوع را باید در مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌های خصوصی و نظارت بانک مرکزی بر عملکرد آن‌ها،

جست‌وجو کرد. در ادامه مواردی از عملکرد بانک‌های خصوصی ذکر می‌شود که چرایی منفی شدن این ضریب را توضیح می‌دهد.

قبل از تجزیه و تحلیل چرایی منفی شدن ضریب شاخص بانکداری خصوصی (نسبت تسهیلات بانک‌های خصوصی به دولتی (تجاری و تخصصی)) باید سهم این بانک‌ها در شبکه بانکی را مورد بررسی قرار داد؛ چنانچه این سهم قابل توجه نباشد، شاید نتوان بر صحت نتایج تخمین و همچنین تحلیل‌هایی که ادامه می‌آید، تاکید کرد. همان‌طور که در جدول (۹) مشاهده می‌شود سهم این بانک‌ها در دو دهه اخیر از ۵۰ درصد به بالای ۸۰ درصد رسیده است. بنابراین، می‌توان گفت چگونگی عملکرد بانک‌های خصوصی نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد اقتصاد ایران دارد.

نکته قابل ذکر این است که بانک‌هایی که هنوز بخش قابل توجهی از سهام آن‌ها در اختیار دولت است نیز به عنوان بانک خصوصی (غیردولتی) ثبت می‌شوند که به نوعی قابل دفاع است، زیرا رفتار این بانک‌ها در توزیع تسهیلات و سایر عملیات بانکی بعد از عرضه سهام آن‌ها شباهت زیادی با رفتار بانک‌های کاملاً خصوصی، یافته است و از این حیث عملکرد آن‌ها تفاوت چندانی با بانک‌های کاملاً خصوصی ندارد. بنابراین، ملاحظه می‌شود که سهم بانک‌های خصوصی در اقتصاد ایران قابل توجه بوده و رفتار آن‌ها نیز بر عملکرد اقتصادی موثر است.

بررسی ترکیب دارایی‌های بانک‌های غیردولتی در نمودار (۲) گویای چند نکته است؛ اولین نکته در ارتباط با ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات است (دارایی‌های مربوط به املاک و مستغلات در جزء سایر دارایی‌های بانک نمایش داده می‌شود). همان‌طور که مشاهده می‌شود با افزایش قیمت املاک و مستغلات در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ جزء سایر دارایی‌های بانک‌ها شروع به افزایش می‌کند. همزمان با رکود بازار مسکن در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ به خاطر عدم فروش این دارایی‌ها توسط بانک‌ها مقدار خالص سایر دارایی‌ها به اوج می‌رسد. بلوکه شدن بخش قابل توجهی از منابع بانک‌ها در املاک و مستغلات از دو بعد اهمیت دارد: نخست اینکه بخش قابل توجهی از منابع بانک‌ها که باید در خدمت تولید و رشد اقتصادی باشد در املاک و مستغلات بلوکه شده است. دوم اینکه با ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات و روانه شدن سرمایه‌ها به این بازار این بازار بزرگ‌تر می‌شود. از آنجا که بازار املاک و مستغلات در ایران بازدهی بالایی دارد و عموماً بر پایه فعالیت‌های دلالتی بنا نهاده شده است، این موضوع به طور دائم موجب تقویت

بازارهای دلالی و واسطه‌گری در مقابل بخش تولید می‌شود. بنابراین، این نحوه عمل بانک‌ها عایدی جز تضعیف تولید در پی ندارد. البته باید توجه داشت که بخشی از افزایش دارایی‌های ثابت بانک‌ها در ارتباط با تملیک و وثایق وصول شده بابت ضمانت تسهیلات ارائه شده است. این عمل را نمی‌توان ورود بانک‌ها به بازار املاک و مستغلات تفسیر کرد، اما آن را می‌توان انجماد دارایی‌های تفسیر کرد که نتیجه آن تامین مالی کمتر تولید است؛ هرچند در موارد بسیاری این تضامین هم کفایت بازپرداخت تعهدات معوق و مشکوک‌الوصول را نمی‌کند.

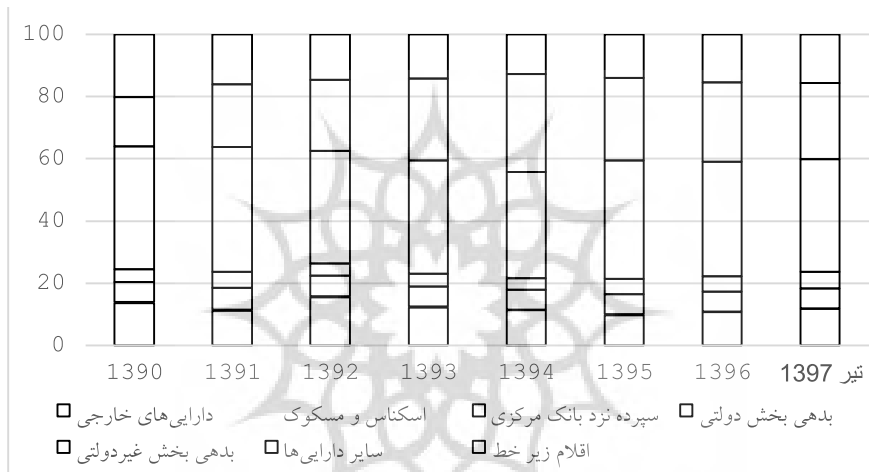
جدول ۹. تسهیلات اعطایی بانک‌ها و سهم آنها از کل اعطای تسهیلات

شرح	بانک‌های تجاری		بانک‌های تخصصی		بانک‌های غیردولتی و مؤسسات اعتباری غیربانکی	
	مقدار	سهم	مقدار	سهم	مقدار	سهم
۱۳۷۹	۱۲۱	۳۴/۰۷	۵۶	۱۵/۸۱	۱۷۷	۵۰/۱۲
۱۳۸۰	۱۶۴	۳۴/۵۸	۷۲	۱۵/۱۹	۲۳۹	۵۰/۲۳
۱۳۸۱	۲۲۵	۳۵/۰۱	۹۲	۱۴/۳۷	۳۲۵	۵۰/۶۲
۱۳۸۲	۳۱۲	۳۵/۲۹	۱۱۳	۱۲/۷۷	۴۶۰	۵۱/۹۴
۱۳۸۲	۴۲۰	۳۴/۴۹	۱۴۰	۱۱/۵۲	۶۵۷	۳۵/۹۹
۱۳۸۴	۵۳۱	۳۱/۸۸	۱۹۸	۱۱/۸۷	۹۳۷	۵۶/۲۵
۱۳۸۵	۷۳۷	۳۱/۲۵	۲۷۸	۱۱/۸۰	۱۳۴۴	۵۶/۹۵
۱۳۸۶	۱۰۲۳	۳۱/۶۵	۳۴۴	۱۰/۶۴	۱۸۶۵	۵۷/۷۱
۱۳۸۷	۱۰۸۲	۲۹/۸۴	۳۹۷	۱۰/۹۵	۲۱۴۷	۵۹/۲۱
۱۳۸۸	۵۱۲	۱۲/۱۶	۵۰۱	۱۱/۹۱	۳۱۹۵	۷۵/۹۳*
۱۳۸۹	۶۳۰	۱۰/۸۵	۸۵۲	۱۴/۶۸	۴۳۲۵	۷۴/۴۸
۱۳۹۰	۷۲۸	۱۰/۵۳	۱۰۰۴	۱۴/۵۲	۵۱۸۱	۷۴/۹۵
۱۳۹۱	۷۶۴	۹/۳۹	۱۲۲۵	۱۵/۰۶	۶۱۴۶	۷۵/۵۵
۱۳۹۲	۸۴۹	۷/۹۴	۱۴۰۹	۱۳/۱۸	۸۴۳۸	۷۸/۸۹
۱۳۹۳	۹۴۵	۷/۵۷	۱۶۱۲	۱۲/۹۲	۹۹۲۵	۷۹/۵۱
۱۳۹۴	۱۱۱۱	۷/۶۱	۱۸۲۰	۱۲/۴۷	۱۱۶۵۶	۷۹/۹۱
۱۳۹۵	۱۳۶۸	۷/۵۱	۲۰۶۱	۱۱/۳۲	۱۴۷۷۴	۸۱/۱۶
۱۳۹۶	۱۷۱۳	۷/۹۱	۲۳۸۲	۱۱/۰۰	۱۷۵۵۱	۸۱/۰۸

* افزایش قابل توجه سهم بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۸۹ به خاطر واگذاری چهار بانک دولتی در این سال و طبقه‌بندی حساب‌های ایشان به عنوان بانک‌های غیردولتی است.
 ماخذ: بانک مرکزی

دومین نکته در خصوص ترازنامه بانک‌ها افزایش سهم دارایی‌های خارجی در سال‌های نوسان ارزی است. همان‌طور که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود پس از سال‌ها ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ - که اوج جهش‌های ارزی بود - سهم این جزء دارایی‌ها به مرور کم می‌شود، اما با مطرح شدن خروج آمریکا از برجام و شروع جهش‌ها در سال ۱۳۹۶ و اوج گرفتن آن در سال ۱۳۹۷، دوباره سهم دارایی‌های خارجی روند افزایش را در پیش می‌گیرد.

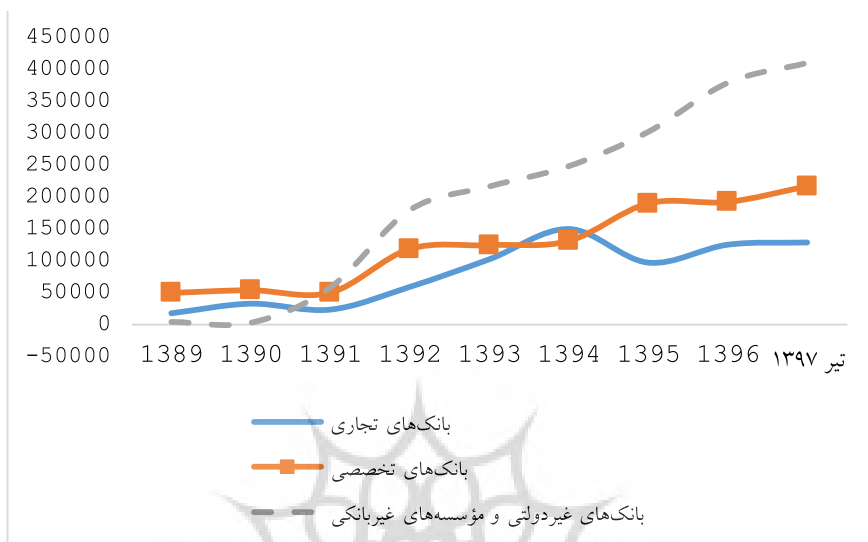
نمودار ۲. ترکیب دارایی‌های بانک‌های غیردولتی و مؤسسه‌های اعتباری کشور (درصد)



ماخذ: بانک مرکزی

در نمودار (۳)، روند خالص دارایی‌های خارجی شبکه بانکی کشور ارائه شده است. خالص دارایی‌های خارجی بانک‌های تجاری و تخصصی نوسانی‌تر از بانک‌های غیردولتی بوده و در تیر ۱۳۹۷، نسبت به سال‌های قبل افزایش داشته است. خالص دارایی‌های خارجی بانک‌های غیردولتی و مؤسسه‌های اعتباری از نظر رقم مطلق از سال ۱۳۹۱ به بعد، همواره بیشتر از سایر بانک‌ها بوده، اما موضوع مهم، افزایشی بودن فاصله خالص دارایی‌های خارجی بانک‌های غیردولتی با سایر بانک‌ها است.

نمودار ۳. خالص دارایی‌های خارجی شبکه بانکی (میلیارد ریال)



ماخذ: بانک مرکزی

برای بررسی دقیق‌تر ذخایر ارزی بانک‌های خصوصی در جدول (۱۰)، رشد خالص دارایی‌های خارجی شبکه بانکی و نرخ دلار آمریکا ارائه شده است. مشاهده می‌شود که خالص دارایی‌های خارجی بانک‌های غیردولتی غیر از سال ۱۳۹۰، همواره چند برابر رشد نرخ دلار در بازار آزاد بوده و در مقایسه با رشد نرخ دلار رسمی نیز غیر از سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳، همواره بیشتر بوده است. برای بانک‌های تجاری نیز غیر از سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵، همواره رشد خالص دارایی‌های خارجی چند برابر رشد دلار بازار رسمی و غیررسمی بوده است. بنابراین، بانک‌های تجاری در تشدید افزایش تقاضا در بازار ارز نقش مهمی داشته‌اند.

ورود به بازار ارز همانند ورود به بازار املاک و مستغلات از دو بعد اهمیت دارد؛ نخست اینکه بخشی از منابعی که باید صرف تامین مالی تولید شود در این حوزه به کار گرفته شده است. دوم اینکه ورود بانک‌ها به این بازارها و روانه شدن سرمایه قابل توجه، جنبه دلالتی بازار ارز گسترش یافته و این سرمایه‌های سرگردان کشور را نیز روانه این بخش می‌کند. این موارد در عمل نتیجه‌ای جز تضعیف تولید در مقابل تقویت واسطه‌گری و دلالتی ندارد.

جدول ۱۰. رشد خالص دارایی‌های خارجی و نرخ دلار (درصد)

سال	بانک‌های تجاری	بانک‌های تخصصی	بانک‌های غیردولتی و مؤسسه‌های غیربانکی	دلار آمریکا (رسمی)	دلار آمریکا (بازار آزاد)
۱۳۹۰	۸۶/۵	۸/۵	-۳۳/۷	۶/۰	۲۸/۰
۱۳۹۱	-۲۸/۷	-۷/۱	۲۲۶۶/۱	۱۱/۸	۹۲/۱
۱۳۹۲	۱۵۴/۵	۱۳۸/۱	۲۰۹/۶	۷۳/۴	۲۲/۲
۱۳۹۳	۷۳/۸	۵/۰	۲۰/۶	۲۴/۷	۳/۰
۱۳۹۴	۴۶/۶	۵/۳	۱۴/۷	۱۱/۶	۵/۲
۱۳۹۵	-۳۵/۳	۴۵/۱	۲۱/۷	۶/۱	۵/۶
۱۳۹۶	۲۹/۱	۱/۲	۲۵/۴	۲۰/۱	۱۳/۸
تیر ۱۳۹۷ ^۰	۲/۸	۱۲/۸	۸/۲	۱۵/۸	۱۹۵/۰

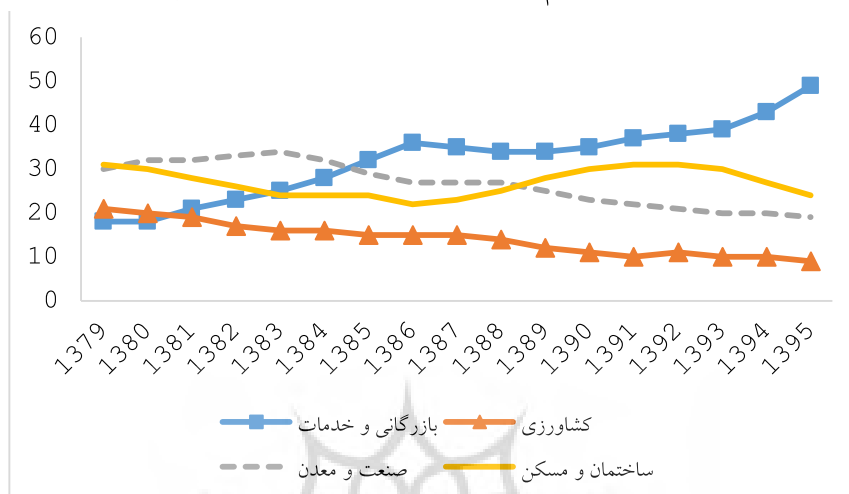
* رشد نسبت به تیرماه ۱۳۹۶ است.

ماخذ: بانک مرکزی و یافته‌های پژوهش

آمارهای مربوط به نحوه توزیع تسهیلات بین بخش‌های اقتصادی بیانگر عملکرد نامناسب بانک‌های خصوصی در توزیع تسهیلات است. همان‌طور که در نمودار (۴) ملاحظه می‌شود، سهم بخش‌های صنعت و معدن و کشاورزی در طول دهه ۸۰ و هم‌زمان با پیدایش و گسترش بانک‌های خصوصی در اقتصاد کشور کاهش یافته است و سهم بازرگانی و خدمات و ساختمان و مسکن افزایش یافته است. آمارها حاکی از آن است که سهم بخش بازرگانی و خدمات از تسهیلات اعطایی بانکی از ۱۸ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۴۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است و سهم بخش صنعت و معدن از مانده تسهیلات اعطایی بانک‌ها از ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۱۹ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. نکته قابل ذکر این است که نمودار (۴) توزیع تسهیلات بانکی را برای کل شبکه بانکی نمایش می‌دهد و تنها برای بانک‌ها و موسسات اعتباری غیردولتی نیست، اما از آنجا که در دهه ۱۳۹۰ حدود ۸۰ درصد مانده تسهیلات مختص بانک‌های غیردولتی است می‌توان از نمودار (۵) برای تفسیر توزیع تسهیلات به بخش‌های اقتصادی بهره برد.

۱- از آنجا که آمار موتقی در مورد نرخ دلار بازار غیررسمی برای تیر ۱۳۹۷، در دسترس نبود از نرخ متوسط دلار در هرات افغانستان استفاده شده است. نرخ دلار بازار غیررسمی تهران به‌طور معمول حدود ۱۰۰ تومان از نرخ دلار هرات بیشتر است.

نمودار ۴. روند سهم بخش‌های اقتصادی از تسهیلات اعطایی بانک‌ها



ماخذ: بانک مرکزی

با توجه به اینکه در حال حاضر بالای ۸۰ درصد تسهیلات توسط بانک‌های خصوصی توزیع می‌شود، آمار ارائه شده گویای آن است که بانک‌های کشور به خصوص بانک‌های خصوصی، بخش صنعت و معدن و کشاورزی را که محصولات کالایی اقتصاد را تامین می‌کنند به اندازه بخش‌های دیگر حمایت و همراهی نکرده‌اند. البته رشد سهم مانده تسهیلات اعطایی به بخش مسکن نیز گویای همراهی بانک‌ها با فعالیت‌های سوداگرانه و پرش‌های بی‌سابقه قیمتی در این بخش است به طوری که سهم تسهیلات بخش مسکن همزمان با افزایش قیمت‌ها در ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ اوج می‌گیرد و ورود مسکن به رکود در سال‌های بعد از ۱۳۹۲، روند کاهش را در پیش می‌گیرد.

آنچه مرور شد شرح مختصری از نحوه عملکرد بانک‌های خصوصی بود که نشان می‌دهد چرا افزایش سهم این بانک‌ها در اقتصاد ایران باعث کاهش تولید ناخالص داخلی شده است. البته این بدان معنی نیست که باید از فعالیت آن‌ها جلوگیری کرد، بلکه باید در راستای فراهم‌سازی نهادها و بسترهای لازم فعالیت این بانک‌ها اقدام کرد. بانک مرکزی می‌تواند به عنوان تنظیم‌گر بازار پولی با تدوین قوانین مناسب و اقدامات نظارتی مواردی از فعالیت بانک‌های خصوصی که آسیب‌زننده به اقتصاد کشور است را کنترل کند.

۷- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مطالعه به بررسی اثر بانکداری خصوصی بر رشد اقتصادی ایران مبتنی بر داده‌های سری‌زمانی (فصلی) برای سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۸۲ پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان داد که توسعه مالی نقش تعیین‌کننده و مثبتی در افزایش تولید و رشد اقتصادی دارد، اما هرچه دامنه فعالیت بانک‌های خصوصی در حوزه تسهیلات و سپرده‌ها گسترش یافته است، اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته است که از مهم‌ترین دلایل آن می‌توان به فضای نهادی که بانک‌ها در آن فعالیت می‌کنند، اشاره کرد. فضای نهادی به گونه‌ای است که بیشتر بانک‌های خصوصی منابع خود را یا به بازارهای سفته‌بازی روانه می‌کنند یا به بنگاه‌های زیرمجموعه خود تسهیلات می‌دهد یا در اولویت‌بندی تسهیلات بخش خدمات و بازرگانی را در ردیف نخست قرار می‌دهند که این‌ها همه بخش تولیدی را در مضیقه قرار می‌دهد. علاوه بر این، نحوه عمل بانک‌های خصوصی موجب فربه‌تر شدن روز به روز بخش‌های واسطه‌گری می‌شود که این نیز آسیب‌زننده تولید خواهد بود.

بانک‌های غیردولتی در محیط نهادی خاصی شروع به فعالیت کردند که نتیجه آن چیزی جز تضعیف تولید نبوده است. برون‌داد حکمرانی ضعیف، بانک مرکزی ضعیف و غیرمستقل، تسلط گروه‌های قدرت بر نظام بانکی، فضای کسب و کار نامناسب، تسلط فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری، نظام مالیاتی تشویق‌کننده واسطه‌گری و دلالی و فساد اقتصادی گسترده فضایی جز ورود بانک‌ها به بازار مسکن و ارز، انجماد منابع بانک‌ها در املاک و مستغلات، توزیع تسهیلات به نفع فعالیت‌های سفته‌بازی، فساد گسترده، نرخ‌های سود تسهیلات بالا و بنگاهداری بانک‌ها نداشته است که نتیجه آن تضعیف تولید بوده است که در واقع مشابه نتایج به‌دست آمده در مطالعات انجام شده توسط لاپورتا و همکاران (۲۰۰۲)، برکویتز و همکاران (۲۰۱۴) و مارس‌لین و ماتور (۲۰۱۵) بوده است، اما نتایج مطالعه متفاوت از نتیجه مطالعه بک و همکاران (۲۰۰۳) است.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نتایج این مطالعه به معنای نفی کامل بانکداری خصوصی نیست، بلکه این نکته را گوشزد می‌کند که در فضای اقتصادی ایران بانکداری خصوصی توانسته است کمک‌کننده تولید اقتصادی کشور باشد. بنابراین، اگر بتوان شرایط را به نفع تولید تغییر داد و نظارت دقیق‌تری بر عملکرد این بانک‌ها داشت، می‌توان انتظار داشت که فعالیت این بانک‌ها کمک‌کننده تولید باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده باید تا زمان تغییر شرایط فعالیت بانک‌های خصوصی اعطای مجوز تاسیس بانک‌ها و موسسات خصوصی را محدود کرد و نظارت قوی و همراه با ضمانت اجرایی بانک مرکزی بر فعالیت بانک‌ها و موسسات بانکی خصوصی به ویژه جلوگیری از بنگاه‌داری بانک‌ها و ورود کنترل نشده به بازار دارایی‌ها را در دستور کار قرار داد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

سپاسگزاری

از اساتید محترم که همواره با سعه صدر و گشاده رویی هدایت این مقاله را پذیرفتند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. مطمئناً بدون حمایت‌ها و راهنمایی‌های ایشان انجام این پژوهش میسر نمی‌شد.

ORCID

Farshad Momeni



<https://orcid.org/0000-0002-1758-5004>

Abbas Shakeri



<https://orcid.org/0000-0002-8153-3639>

Javad Taherpoor



<https://orcid.org/0000-0002-6163-6614>

Behnam Ezati Ekhtiar



<https://orcid.org/0000-0002-3478-1883>

منابع

- حسین زاده بحرینی، محمدحسین؛ ناجی میدانی، علی اکبر و چمانه گیر، فرشته. (۱۳۸۷). مقایسه کارایی اقتصادی بانک‌های خصوصی و دولتی در ایران با استفاده از روش تحلیل پوششی (فراگیر) داده‌ها DEA. *فصلنامه دانش و توسعه*، ۲۵(۱۵)، ۳۰-۱.
- دانایی، محمدحسین. (۱۳۸۴). هنوز برای خصوصی‌سازی بانک‌ها زود است. *ماهنامه بانک و اقتصاد*، ۵۹(۸۴)، ۳۱-۳۰.
- سروش، اباذر. (۱۳۸۶). بررسی عملکرد بانک‌های دولتی پس از واگذاری به بخش خصوصی (مورد کاوی بانک‌های خارجی). *ماهنامه بورس*، ۶۷(۸۶)، ۷۳-۵۴.

- صادقی، مهدی و احمدی، سید روح‌الله. (۱۳۹۱). تاثیر بانک‌های خصوصی بر کارآیی اقتصادی صنعت بانکداری جمهوری اسلامی ایران، تحلیل پوششی داده‌های استوکاستیک SDEA و داده‌های تابلویی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۵۱(۱۷)، ۸۹-۱۱۲.
- صفرنیا، حسن. (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر در ایجاد و تقویت تعهد سازمانی کارکنان بانک‌های دولتی. *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۷۱(۱۵)، ۸۵-۱۰۵.
- فرازمند، علی. (۱۳۸۶). جهانی‌سازی، خصوصی‌سازی و آینده حاکمیت مدرن: ارزیابی انتقادی. ترجمه حسن دانایی‌فرد. *ویژه‌نامه گزیده مدیریت دولتی*، (۴).
- لشکری، محمد و هژبرالساداتی، سیدمرتضی. (۱۳۸۹). خصوصی‌سازی بانک‌ها و تاثیرات آن بر افزایش کارایی و بهبود عملکرد بانک‌ها. *راهبرد یاس*، ۲۳(۸۹)، ۱۳۵-۱۴۸.
- محرابیان، کتیون. (۱۳۸۲). تاثیر حضور بانک‌های خصوصی بر بانک‌های دولتی. *مجله بانک و اقتصاد*، ۳۷(۸۲)، ۵۲-۵۴.
- محمدی، تیمور. (۱۳۹۰). خطای متداول در کاربرد مدل‌های سری زمانی: کاربرد نادرست مدل ARDL (مدل خودرگرسیون و توزیع باوقفه). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۴۷(۱۶)، ۱۸۳-۱۶۳.
- مصلی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۸). فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط رکود در آمریکا ۲۰۰۹-۲۰۰۷. *فصلنامه سیاست*، ۴(۳۹)، ۲۸۷-۳۰۵.

References

- Abouzar, S. (2007). Evaluation of governmental banks performance after privatization (cases of foreign banks). *Journal of Bours*. 86(67), 54-73. [In Persian]
- Andersen, T. B., and Tarp, F. (2003). Financial liberalization, financial development and economic growth in LDCs. *Journal of International Development: The Journal of the Development Studies Association*. 15(2). 189-209.
- Andrews, M. M. (2005). State-Owned Banks, Stability, Privatization, and Growth: Practical Policy Decisions in a World Without Empirical Proof (EPub) (No. 5-10). International Monetary Fund.
- Asongu, S. A. (2014). Linkages between investment flows and financial development: Causality evidence from selected African countries. *African Journal of Economic and Management Studies*.
- Beck, T., Cull, R., and Jerome, A. (2005). *Bank privatization and performance: Empirical evidence from Nigeria*. The World Bank.
- Berger, A. N., Clarke, G. R., Cull, R., Klapper, L., and Udell, G. F. (2005). *Corporate governance and bank performance: A joint analysis of the static, selection, and dynamic effects of domestic, foreign, and state ownership*. The World Bank.
- Berkowitz, D., Hoekstra, M., and Schoors, K. (2014). Bank privatization, finance, and growth. *Journal of Development Economics*. 110. 93-106.

- Bhattacharvya, A., Lovell, C. K., and Sahay, P. (1997). The impact of liberalization on the productive efficiency of Indian commercial banks. *European Journal of operational research*. 98(2). 332-345.
- Boehmer, E., Nash, R. C., and Netter, J. M. (2005). Bank privatization in developing and developed countries: Cross-sectional evidence on the impact of economic and political factors. *Journal of Banking & Finance*. 29(8-9). 1981-2013.
- Bonin, J. P., Hasan, I., and Wachtel, P. (2005). Privatization matters: Bank efficiency in transition countries. *Journal of Banking & Finance*, 29(8-9), 2155-2178.
- Braz, J. (1999, March). Bank (re) privatization in Portugal. In *World Bank/Federal Reserve Bank of Dallas Conference on Bank Privatization* (Vol. 5, No. 7, p. 31).
- Clarke, G. R., Cull, R., and Shirley, M. M. (2005). Bank privatization in developing countries: A summary of lessons and findings. *Journal of Banking & Finance*. 29(8-9). 1905-1930.
- Danaei, M.H., (2005). Still too early to privatize banks. *Journal of Bank and Economy*. 85(59), 30-31. [In Persian]
- De Vincenzo, A., Fiorentino, E., Heid, F., Karmann, A., & Koetter, M. (2009). The effects of privatization and consolidation on bank productivity: comparative evidence from Italy and Germany. Bank of Italy Temi di Discussioni (Working Paper) No, 722
- Dietrich, B. H. (2009). *German Banking Structure, Pricing and Competition: Implications and International Policy Perspectives*. Peter Lang.
- Dragomir, L. (2010). *European prudential banking regulation and supervision: the legal dimension*. Routledge.
- Farazmand, A. (2007). Globalization, privatization, and the future of modern governance: A critical assessment. translated by danaeifard, H. *Journal of Governmental Management*. (4) [In Persian]
- Hamdi, H., Hakimi, A., and Sbia, R. A. S. H. I. D. (2013). Multivariate Granger causality between financial development, investment and economic growth: Evidence from Tunisia. *Journal of Quantitative Economics*. 11(1-2). 111-129.
- Hosseinzadeh Bahraini M.H., Naji Meydani A.A., Chamanehgir F. (2009). Comparing economic efficiency in Iranian public and private banks with data envelopment analysis method. *Journal of Knowledge and Management*. 15(25), 1-30. [In Persian]
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., and Shleifer, A. (2002). Government ownership of banks. *The Journal of Finance*. 57(1). 265-301.
- Lashkari, M., Hazhbarolsadati, S.M. (2010). Privatization of banks and its effects on increasing the efficiency and improving the performance of banks. *Journal of Yas Strategy*. 89(23), 135-148. [In Persian]
- Lee, S. W. (2009). Determinants of dividend policy in Korean banking industry. *Banks & bank systems*. (4, Iss. 1). 67-71.
- Marcelin, I., and Mathur, I. (2015). Privatization, financial development, property rights and growth. *Journal of banking & finance*. 50. 528-546.

- Meggison, W. L. (2017). Privatization, state capitalism, and state ownership of business in the 21st century. *Foundations and Trends® in Finance*. 11(1-2). 1-153.
- Meggison, W. L., and Netter, J. M. (2001). From state to market: A survey of empirical studies on privatization. *Journal of economic literature*. 39(2). 321-389.
- Mehrabian, K. (2003). The effect of the presence of private banks on state-owned banks. *Journal of Banks and Economy*. 82(37), 52-54. [In Persian]
- Mohammadi, T. (2011). Misconceptions in Application of Time series Models: The Abuse of ARDL Model. *Iranian Journal of Economic Research*, 16(47), 163-183. [In Persian]
- Mossalanejad, A. (2010). Process of Economic in U.S. Recession Era:2007-2009. *Journal of Political Quarterly*. 39(4), 287-305. [In Persian]
- Nakane, M. I., and Weintraub, D. B. (2005). *Bank privatization and productivity: Evidence for Brazil*. The World Bank.
- Omran, M. (2007). Privatization, state ownership, and bank performance in Egypt. *World Development*. 35(4). 714-733.
- Sadeghi, M., Ahmadi, S. (2012). The effect of private banks on economic efficiency of banking industry in the Islamic Republic of Iran (Panel Data and SDEA Approach). *Iranian Journal of Economic Research*. 17(51), 89-112. [In Persian]
- Safarnia, H. (2011). Investigating the effective factors in creating and strengthening the organizational commitment of the employees of state-owned banks. *Journal of Management research in Iran*. 15(71), 85-105. [In Persian]
- Shan, J., and Morris, A. (2002). Does financial development lead economic growth? *International Review of Applied Economics*. 16(2). 153-168.
- Stigler, G. J. (1967). Imperfections in the capital market. *Journal of Political Economy*. 75(3). 287-292.
- Stiglitz, J. E. (1993). The role of the state in financial markets. *The World Bank Economic Review*. 7(suppl 1). 19-52.
- Unal, H., and Navarro, M. (1999). Policy paper: the technical process of bank privatization in Mexico. *Journal of Financial Services Research*. 16(1). 61-83.
- Verbrugge, J., Owens, W., and Megginson, W. (1999). State ownership and the financial performance of privatized banks: An empirical analysis. In conference Proceedings of a Policy Research Workshop held at the World Bank (pp. 15-16).